

قیام و تکبیر تحریمه

دیڑایت: الحاج سلیمه عابد پیمان سویدان

Ketabton.com

۱۳۹۴

تتبعه نگارش و نوشتہ از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

قیام و تکبیر تحریمه

بسم الله الرحمن الرحيم قیام و تکبیر تحریمه

قیام و ایستاده شدن در نماز:

قیام، یعنی ایستادن جسم و روح در برابر پروردگار با عظمت. قیام، یعنی بر پای خاستن و دوری از سکون و خاموشی است. قیام یعنی جهاد علیه هواهای نفسانی مبارزه با شیطان و آماده شدن برای توبه و استغفار در برابر خالق یکتا است.

نماز گزار بعد از اینکه با قوت قلبی و اخلاص تام نیت کرد از جای برمی خیزد و با فروتنی، وقار و آرامش بی نهایت منظم، در محضر الهی حاضر می شود. در این حالت، سر، که بالاترین و مهمترین عضو از اعضای بدن است، افتاده و افکنده می شود. پایین آمدن سر، نشانه فروتنی در مقابل خالق و دوری از تکبر و ریاءست.

قیام تجلی مساوات، برابری در بین همه است. در نماز، همه یکسان در محضر الهی قیام می کنند: دیگر در بین سیاه و سفید، فقیر و غنی، پیر و جوان، رئیس و مرئوس، بزرگ و کوچک تفاوتی وجود ندارد.

قاعده ای رهنمودیک دین مقدس اسلام است که، نماز گزار در ایستاده شدن (قیام) نباید بسیار راست (شخ) ایستاده شود و نه خم گردد. بلکه کوشش بعمل آرد تا جائیکه ممکن باشد و تا جائیکه صحت وجودی و صیحی اش تقاضا می کند به حالت عادی ایستاده شود.

نماز گزار در حال قیام باید به این حقیقت برسد که این مقام، مقام خوف و رجا است از پایین انداختن سر که بیانگر تواضع و فروتنی نمازگزار در هنگام نماز است، الزام قلب را بر تذلل و خشوع و تواضع و دوری از ریاست طلبی و خودبزرگی بینی فهم نماید و بداند که در فردای قیامت، او را در پیشگاه ذات اقدس الهی خود ایستادنی است که چگونگی آن را این ایستادن تعیین می کند، و لذا سزاوار است که انسان آنچه در قدرت و توان دارد، در شیوه قیام نماز خودتوجه و اهتمام لازم بخرچ دهد.

نماز گزار در قیام کوشش بعمل آرد تا فاصله ای بین پای خویش را مرعت کند، برخی از فقها فاصله بین پاها را در قیام کم از کم چار انگشت معرفی داشته اند ولی احادیث متعددی به توضیح و تشریح این حالت در نماز پرداخته است که انشا الله به توضیح آن می پردازیم. نماز گزار، در قیام بطرف محل سجده خویش (نگاه) می نماید، «الله اکبر» گفته دستهایش را تا شانه ها، و یا هم تا برابر نرمی گوشهای خویش بلند نماید.

فاصله بین پاها در قیام:

در مورد اینکه فاصله و مقدار باز شدن پاها در حال قیام در نماز به کدام انداز باشد در شرع اسلام کدام نصی که اندازه و مقدار فاصله پای ها را معین کرده باشد، وارد نشده، ولی فقها میفرمایند که باید میزان باز شدن پاها مقداری باشد که شانه های نمازگزاران به هم بچسبد باشد، زیرا در حدیثی که از ابن عمر روایت گردیده است آمده است که:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «أقیموا الصفوف، و حاذوا بین المناكب و سدوا الخلل و لینوا بأیدی إخوانکم و لاتذروا فرجات للشیطان و من وصل صفا وصله الله، و من قطع صفا، قطعه الله»

«صفهایتان را راست کنید و شانه هایتان را کنار هم قرار دهید و فاصله های خالی را ببندید (در راست کردن صفها) به نرمی از برادرانتان اطاعت کنید و برای شیطان جاهای خالی نگذارید و کسی که صفی را وصل کند خداوند او را وصل می کند و کسی که بین صفی قطع کند خداوند او را قطع می کند» (روایت حدیث از ابوداود)

همچنان در حدیثی از حضرت انس (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

قیام و تکبیر تحریمه

« رصوا صفوفکم، و قاربوا بینها، و حاذوا بالأعناق فوالذی نفسی بیده، انی لأری الشیطان یدخل من خلل الصف كأنها الحذف » « صفهای تان را فشرده کنید و فاصله‌ها را پر کنید و گردنهایتان را در یک راستا قرار دهید. قسم به کسی که جانم در دست اوست شیطان را می‌بینم که مانند گوسفند کوچک از جاهای خالی صف داخل می‌شود ». (روایت حدیث از ابوداود).

همچنان در حدیثی دیگری از انس (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود :
« أقیموا صفوفکم، فانی أراکم من وراء ظهری » « صفهایتان را راست کنید زیرا من شما را از پشت سرم می‌بینم ».

همچنان حضرت انس (رض) میفرماید : « و هر یک از ما شانه‌ها و پاهایش را به شانه‌ها و پاهای بغل دستی خویش می‌چسباند ». « وکان أحدنا یلرزق منکبه بمنکب صاحبه و قدمه بقدمه » (روایت از امام بخاری)

نعمان بن بشیر (رض) در حدیثی میفرماید که در حال قیام در نماز : « هر یک از ما بچلک پایش را به بچلک پای فرد مجاور خود می‌چسباند ». « رأیت الرجل منا یلرزق کعبه بکعب صاحبه » (روایت از بخاری).

مراوحة در نماز :

علماء میفرمایند که : اگر احیاناً قرائت امام طولانی شود و قیام وی به درازا کشیده شود، مقتدی میتواند بر یک پا خویش تکیه کند و بعد برپای دیگری تا اندکی بیآساید، و این عمل را در زبان عربی «مراوحة» گویند، ولی نباید یک پایش را جلوتر از دیگری قرار دهد؛ بگونه‌ای که یک پایش با پای نمازگزار بغل دستش برابر باشد اما دیگر پایش جلو یا عقب قرار بگیرد، و مراوحة برای کسیکه عذر دارد جایز و برای کسیکه عذری ندارد مکروه است.

امام نووی رحمه الله فرمودند: « اگر نمازگزار بر یک پای ایستاده شود : نماز اش صحیح است ولی کراهت دارد، اما اگر معذور باشد کراهیتی ندارد ». (المجموع) (3 / 230) .

همچنان ابن عثیمین رحمه الله در این بابت میفرماید : « اما یک در میان کردن (پا) که به آن مراوحة بین پاها گویند بگونه‌ای که گاهی بر یک پا و گاهی دیگر بر پای دیگر اعتماد و تکیه شود، این کار ممانعتی ندارد، للخصوص وقتی که ایستادن انسان (در قیام نماز) طولانی شود، اما نباید یکی از پاها جلوتر از دیگری باشد، بلکه باید هر دو پا مساوی هم قرار بگیرند ». (الشرح الممتع) (3 / 224) .

وضعیت دست ها در حال تکبیر تحریمه :

در حالیکه نمازگزار در حال گفتن تکبیر تحریمه است ، کف هر دو دست خویش رابطرف قبله نموده و انگشتان دستها بحالت عادی باز گذاشته شوند. بعد از گفتن تکبیر تحریمه (الله اکبر) دست راست خویش بالای دست چپ بشکل ذیل قرار دهد که : انگشت کوچک و شصت دست راست را در بند دست چپ مانند حلقه خویش ببندد و سه انگشت متباقی را بحالت عادی بالای دست چپ هموار بگذارد.

شیخ البانی در کتاب صفت نماز پیامبر صلی الله علیه در مورد بلند کردن دست های در تکبیر تحریمه در نماز مینویسد : همزمان با تکبیر، یا قبل از آن، و یا بعد از آن، دستهایش را بلند نماید، همه اینها در سنت به ثبوت رسیده است.

و در حالی که انگشتان کشیده شده، دستهایش را بلند کند. و دو کف دستش را برابر شانه‌هایش قرار دهد، و گاهی هم میتواند در بلند نمودن دستها مبالغه نماید بطوریکه میتواند دست های خویش را تا نزدیک گوشهایش برساند. (ونقطه قابل دقت در این است که با انگشتان ابهام نرمه گوش را دست زدن و گرفتن، در سنت هیچ اصلی ندارد، بلکه این عمل ریشه در وسوسه دارد.)

قیام و تکبیر تحریمه

فلسفه تکبیره الاحرام و یا تکبیر تحریمه:

قبل از همه باید گفت که هدف و مقصد از گفتن «الله اکبر» در اول هر نماز (پس از نیت) واجب و رکن نماز بشمار میرود، و این گفتن «الله اکبر» را تکبیره الاحرام یا تکبیر افتتاح می گویند. به این دلیل این تکبیر به تکبیره الاحرام نامیده شده، زیرا نماز گزار به وسیله این تکبیر انجام آنچه نماز را باطل می کند و برخویش حرام می کند.

طوریکه شخصی که به ادای مراسم حج تشریف می برد، با مجرد پوشیدن لباس احرام مُحرم می شود و وارد حرم الهی می گردد نماز گزار هم با گفتن تکبیر تحریمه «الله اکبر» وارد حرم نماز می گردد.

در مورد فلسفه تکبیر تحریمه علماء میفرمایند که پس از نیت که تصمیم بر انجام عبادت برای الله و برپایی نماز به قصد تقرب به پروردگار، وارد نماز می شویم. البته همراه با «حضور قلب» و آمادگی روحی و توجه کامل به پروردگار و بروی قبله ایستاده می شویم.

این توجه و حضور دل، همچون روح برای نماز است.

الله تعالی برتر و بزرگتر از فکر و خیال ما و برتر از توصیف با قلم و بیان ماست. عظمت او، فراتر از درک و شناخت و تصور ماست. هر چه را اراده کند، در همان لحظه انجام می گیرد.

گفتیم: «الله اکبر» الله بزرگ تر است. بزرگ تر از هر چه به وصف آید و در ذهن و زبان بگنجد. بزرگ تر از فکر و خیال و اندیشه ما و در واقع بزرگ تر از آنکه با دیگران مقایسه شود.

گفتیم با این کلام نماز ما شروع می شود.

این شعار با عظمت، تکبیره الاحرام است، یعنی الله اکبری که با آن به حریم نماز داخل می شویم و غیر الله دیگر همه چیزی را از یاد می بریم و برای جز او عظمتی نمی شناسیم و کارهای خلاف را بر خود حرام می کنیم.

- توجه قلبی به عظمت الله را با تکبیر بر زبان می آوریم تا زبان مان با دل مان همصدا شود. الله اکبر، خط بطلانی است بر همه قدرت های طاغوتی، و سوسه های ابلیسی و شیطانی و جاذبه های مادی.

- انسان هر چه خداشناس تر شود و عظمت ها و نعمت ها و قدرت های الهی را بیشتر بشناسد، جز الله هر چه هست در نظرش کوچک می شود و خدا بزرگ تر از هر چیز، بلی... الله اکبر فرمانش مطاع است. پدیده ها و انسان را از نیستی به وجود آورده، همه را روزی داده، هدایت کرده، بازگشت همه به سوی اوست و جان و هستی همه جانداران و جمادات، در دست قدرت اوست.

اوست که عزت می بخشد و او است که انسان را ذلیل می سازد، بی نیاز است و همه به او محتاجند، انسانها را در رحم مادران، تصویرگری می کند، غرائز هدایتگر را در فطرت آنها به ودیعت می گذارد، مریض ها را شفا می دهد، ناتوان را توان می بخشد، همه چیز مردنی و فانی است مگر ذات او. در قیامت، حساب و کتاب و پاداش و کیفر همه، با اوست. آن روز معلوم خواهد شد که همه کاره اوست و دیگران را کاری ساخته نیست و آنانکه به درگاه غیر او روی آورده اند، باخته و زیان کرده اند...»

نماز خویش را با نام چنین خدای با عظمت، شروع می گردد. الله اکبر، شعار برتری و اعتلای مکتب و عقیده ماست.

گفتیم نماز با «الله اکبر» شروع می شود و با «رحمة الله» ختم می گردد.

تکبیر تحریمه به نظر بعضی علماء شامل فرائض داخلی و به نظر بعضی شامل فرائض خارجی نماز میباشد و وقتی که نیت نماز را نمودید باز تکبیر تحریمه الله اکبر (الله تعالی بسیار بزرگ است) گفته میشود.

قیام و تکبیر تحریمه

تکبیر تحریمه و طریقه نماز:

گفتیم به الله اکبر گفتن که الله اکبر تکبیر اولی است نماز شروع میشود و همراه با امام یکجا بدون وقفه گفته شود زیرا ثواب زیاد دارد و متباقی همه تکبیرات به متابعت امام گفته میشود، زمانیکه تکبیر تحریمه الله اکبر (الله تعالی بسیار بزرگ است) گفته میشود، دست های خویش را تا شانه ها و یا هم تا برابر نرمی گوش میرساند و کف دستها باید طرف قبله باشد متباقی انگشتان را به حالت عادی بگیرد بعد از تکبیر دستها را بالای سینه قرار بگیرد که دست چپ در زیر دست راست را بالای بند ان بگذارد طوری که به انگشتان دست راست بند دست چپ را محکم بگیرد.

دعایی که بین اقامه و تکبیر الاحرام خوانده می شود:

سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم است زمانیکه اقامه نماز خوانده می شود، مصلین الفاضی را که اقامه کننده می گوید باید آنرا تکرار کنند، بخاطر آنکه اقامه، حکم آذان دوم را میدهد و مانند آذان به آن جواب گفته می شود، با این تفاوت زمانیکه اقامه کننده «حیّ علی الصلاة و حیّ علی الفلاح» را می گوید شنونده به جای آن (لا حول و لا قوه الا بالله) بگوید، و وقتی که الفاض (قد قامت الصلاة) خوانده میشود، عین همین الفاظ را باید در جواب آن گفته شود، و جمله ای اقامه الله را نگوید چون حدیثی که در این باره آمده ضعیف است و از حدیث صحیح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ» (هر گاه (ندای) مؤذن را شنیدید آنچه را که می گوید شما هم بگویید حکم این حدیث، شامل آذان و اقامه هر دو می شود چون هر دو آذان نامیده می شوند هر گاه اقامه کننده (لا اله الا الله) را به پایان می برد، شنوندگان بر پیامبر صلی الله علیه و سلم درود و سلام فرستاده و دعای (اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلاة القائمة...) را بخوانند، همان طور که پس از اتمام آذان نیز همین دعا را می خوانند. سایر دعای که توسط برخی از مسلمانان در بین اقامه و تکبیر تحریمه گفته میشود در شرح دلیلی برایش دیده نمیشود. (مواخذ: فتاوی انجمن دایمی مباحث علمی و افتا) (6/89-90).

دعاء بعد از تکبیر الاحرام و قبل از قرائت سوره فاتحه:

دعای استفتاح:

اول:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» (أصحاب السنن الأربعة، صحيح الترمذی ۷۷/۱، وصحيح ابن ماجه ۱/۱۳۵). (بار الها! پاک و منزهی، و حمد از آن توست، و نامت با برکت است و قدرت و شکوه تو بسیار بالاست و هیچ معبودی بجز تو «بحق» وجود ندارد).

دوم:

«اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقِّي النَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنْ خَطَايَايَ بِالتَّلْجِ وَالْمَاءِ وَالْبَرْدِ» (البخاری ۱/۱۸۱، و مسلم ۱/۴۱۹) (بار الها! بین من و خطاهای من، همانند فاصله ای که بین مشرق و مغرب انداخته ای، فاصله بیانداز، و مرا از خطاهایم پاک ساز، همانند لباس سفیدی که از آلودگی پاک می شود. بار الها! خطاهای مرا با برف و آب و تگرگ بشوی).

سوم:

«وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي، وَنُسُكِي، وَمَحْيَايَ، وَمَمَاتِي، لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ

قیام و تکبیر تحریمه

الدُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا، لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ، لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» (مسلم ۱/۵۳۴) (من چهره ام را به سوی ذاتی متوجه کرده ام که آسمان ها و زمین را آفرید، در حالی که من از باطل روی گردان شده و به سوی حق آمده ام، و از مشرکان نیستم، نماز، عبادت، زندگی و مرگم از آن پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد، دستور یافته ام که چنین کنم، و من از فرمانبرداران می باشم. پروردگار! تویی پادشاه، بجز تو، معبودی «بحق» وجود ندارد. تو پروردگار من هستی و من بنده ی توأم، بر خود ظلم کردم، و به گناهانم اعتراف نمودم، همه ی گناهانم را بیخشای، همانا بجز تو کسی گناهانم را نمی آمرزد. الهی! مرا به نیکوترین اخلاق و خصلت ها، رهنمون فرما، همانا بجز تو کسی نیست که مرا بسوی آنها هدایت کند. الهی! خصلت های بد را از من دور بگردان، زیرا بجز تو کسی نیست که آن ها را از من دور بگرداند. من در بارگاهت حاضریم، و برای اطاعتت آماده ام، هرگونه خیر و نیکی در اختیار توست، بدی را به سوی تو راهی نیست. الهی! من به لطف تو موجودم، و به سوی تو متوجه ام، تو بسیار بابرکت و برتر هستی، از تو آمرزش می خواهم، و در بارگاهت توبه می کنم).

چهارم :

«اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ، وَمِيكَائِيلَ، وَإِسْرَافِيلَ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فَيَمَّا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تُهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مسلم ۱/۵۳۴) (الهی! پروردگار جبرائیل و میکائیل و اسرافیل، ای مبدع آسمان ها و زمین، و آگاه از دنیای پنهان از دیدگان، و مطلع از جهان عیان، تو در بین بندگان در آن چه که در آن اختلاف می ورزند، حاکمی، مرا به آنچه که از حق در آن اختلاف شده است، با اراده ات هدایت کن، چرا که تو هرکس را که بخواهی به راه راست هدایت می کنی).

پنجم :

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» ثلاثاً « وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ: مِنْ نَفْخِهِ، وَنَفْثِهِ، وَهَمْزِهِ » (أبو داود ۱/۲۰۳، وابن ماجه ۱/۲۶۵، وأحمد ۴/۸۵، و مسلم از ابن عمر م به این صورت و در ضمن قصه‌ای روایت شده است) (الله، برترین و بزرگترین است، همه ی ستایش ها به کثرت مخصوص اوست، من صبح و شام او را تسبیح می گویم) (سه بار) (به الله پناه می برم از غرور، سحر و وسوسه‌ی شیطان).

ششم :

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيُّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، (وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ) (وَلَكَ الْحَمْدُ لَكَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ) (وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) (وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَلِقَاؤُكَ الْحَقُّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمَّدٌ صَحَابَةُ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ) (اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ أَمَنْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبِّتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاعْفُ رُ لِي مَا قَدَّمْتُ، وَمَا أَحْزْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ، وَمَا أَعْلَنْتُ) (أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَجِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ) (أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ » . (البخاری مع الفتح ۳/۱۱۶ و ۱۳/۳۷۱ ، ۴۲۳ ، ۴۶۵ و مسلم همانند آن به صورت اختصار روایت نموده است ۱/۵۳۲) (بار الها! حمد از آن تو است، تو نور آسمان ها و زمین، و آنچه که در ما بین آنهاست، هستی. حمد از آن تو است، تو سرپرست آسمان ها و زمینی، و آنچه که در بین آنهاست. (و حمد از آن تو است، تو پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه که در بین آنهاست، هستی.) (و حمد از آن تو است، تو پادشاه آسمان ها و زمین هستی.) (و حمد از آن توست) (تو حقی، وعده، گفتار، لقاء، بهشت، آتش، پیامبران، محمدص، و روز قیامت حق هستند)

قیام و تکبیر تحریمه

(پروردگار! امن تسلیم توأم، و بر تو توکل نمودم، و به تو ایمان آوردم، و به سوی تو برگشتم، و بخاطر تو دشمنی ورزیدم، و حاکمیت از آن تو است، و گناهانی را که پیش از مرگ فرستاده ام و آنچه را که بعد از مرگ، خواهند آمد، و آنچه را که پنهان نموده ام، و آنچه را که آشکار ساخته ام، ببخشای، تقدیم و تأخیر بدست تو است، و هیچ معبودی بجز تو «بحق» وجود ندارد).

فضیلت تکبیر تحریمه در روایت اسلامی :

از جمله امور مستحب و سنت؛ حاضر شدن در نماز جماعت هنگام تکبیرة الاحرام امام است، و در مورد فضیلت دریافتن امام در آن وقت آثار و نصوصی وارد شده است از جمله روایتی که امام ترمذی از انس بن مالک رضی الله عنه آورده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ صَلَّى لِلَّهِ اَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي جَمَاعَةٍ يُدْرِكُ التَّكْبِيرَةَ الْاُولَى ، كُتِبَتْ لَهُ بِرَاءَتَانِ : بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النَّفَاقِ» ترمذی (241) یعنی: «هرکس چهل روز نمازش را در جماعت با تکبیره الاحرام بخواند، برایش دو برائت نوشته می‌شود: نجات از آتش جهنم و برائت از نفاق».

این حدیث بصورت موقوف از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده و البته برخی گفته اند که این حدیث مرفوع است ولی امام ترمذی و دارقطنی گفته اند که موقوف بودن حدیث راجح است، و علامه البانی حدیث را حسن و مرفوع دانسته است.

- سعید بن مسیب رحمه الله از کبار تابعین میفرماید: به مدت پنجاه سال تکبیره الاحرام آغازین جماعت را از دست ندادم. «حلیة الأولیاء» (2/ 163).

- وکیع بن جراح میفرماید: کاکایش نزدیک به هفتاد سال تکبیره الاحرام اول (نماز جماعت) را از دست نداد، و من نزدیک به دو سال کمتر از او بودم و ندیدم که او رکعتی را از دست داده باشد. «مسند ابن الجعد» (755)

- از ابراهیم نخعی روایت است که: هرگاه کسی را دیدی که نسبت به دریافتن تکبیره الاحرام آغاز جماعت سستی می‌کند، دستت را از او بشور (یعنی خیری در او نیست). «حلیة الأولیاء» (4/ 215).

- یحیی بن معین میفرماید: شنیدم که وکیع می‌گفت: کسی که تکبیره الاحرام اول را درنیابد پس انتظار خیر آنرا نداشته باشد «شعب الإیمان» للبيهقي (2652).
ابن حجر رحمه الله میفرماید: «آثار منقول زیادی از سلف در مورد فضیلت دریافتن تکبیره الاحرام وارد است». «التلخیص الحبیر» (2/ 131).

بنابراین بر نمازگزاران است تا به رسیدن تکبیره الاحرام آغازین امام در نماز جماعت حریص بود.

ماموم چگونه میتواند فضیلت تکبیره الاحرام را کمایی نمود :

علما در مورد اینکه ماموم چگونه میتواند فضیلت تکبیره الاحرام را کمایی نماید اقوالی متعددی را ارائه نموده اند که در اینجا به ذکر چند قولی از اقوال علماء اکتفاء مینمایم :

اول:

ماموم با حضورش در وقت گفتن تکبیره الاحرام امام، فضیلت آنرا دریافته است و باید تکبیر ماموم بدون تأخیر بعد از تکبیر امام باشد.

دوم:

ماموم فضیلت آنرا تا زمانیکه هنوز امام شروع به فاتحه نکرده دریافته است.

سوم:

هرگاه ماموم قبل از اینکه امام قرائت فاتحه را بپایان برساند به وی برسد، او فضیلت تکبیره الاحرام را دریافته است. و این قول وکیع است چنانکه هنگامی که از او در مورد حدود تکبیره الاحرام می‌پرسند او جواب می‌دهد: «تا زمانیکه هنوز امام قرائت فاتحه را تمام نکرده است». «طبقات

قیام و تکبیر تحریمه

المحدثین» للأصبهانی (219/3).

چهارم:

هرگاه ماموم در هنگام قیام رکعت اول به امام برسد، او فضیلت تکبیرة الاحرام را دریافته است زیرا محل و وقت تکبیرة الاحرام، قیام رکعت اول است.

پنجم:

ماموم فضیلت تکبیرة الاحرام را تا رکوع رکعت اول امام مادامیکه به آن برسد دریافته است. و این مذهب امام صاحب ابوحنفیه است. (برای مزید معلومات مراجعه فرماید: به «رد المحتار» (131/4)، «الفتاوی الهندیة» (11/3)، «المجموع» (206/4). بنظر می رسد که قول اول صحیح تر باشد و آن قول جمهور علما از جمله قول و نظریه امام شافعی و امام حنابل نیز می باشد.

امام نووی میفرماید: «مستحب است که ماموم بر رسیدن به تکبیرة الاحرام آغازین امام محافظت و تداوم داشته باشد، و چندین قول در مورد وقت دریافتن آن وارد شد است که صحیح ترین آنها آنست که ماموم شاهد و شنونده ی تکبیرة الاحرام امام در آغاز نماز باشد و او نیز بعد از وی تکبیر بگوید، چنانکه بعد از آنزمان برسد دیگر فضیلت آنرا از دست داده است...». «روضة الطالبین و عمدة المفتین» (1/446).

و امام ابن رجب میفرماید: «ابراهیم بن حارث از امام احمد ذکر کرده؛ کسی که در لحظه ی تکبیرة الاحرام امام همراه او نباشد پس او فضیلت آنرا در نیافته است».

و باز میفرماید: «وکیع گفته است: کسی که با امام خود آمین (بعد از فاتحه) را دریابد، پس او فضیلت تکبیرة الاحرام با امام را دریافته است. ولی امام احمد این گفته را رد کرده و می گوید: فضیلت تکبیرة الاحرام جز با رسیدن به تکبیرة الاحرام امام حاصل نمی شود.»

و ابن مفلح رحمه الله میفرماید: «جماعتی گفته اند: فضیلت تکبیرة الاحرام اول جز با حضور در لحظه ی گفتن تکبیر امام حاصل نمی شود.» «الفروع» لابن مفلح (521/1).

و حجاوی گفته: رسیدن به تکبیرة الاحرام امام فضیلت است، و این امر با حضور ماموم در هنگام تکبیر امام و گفتن تکبیر توسط او بعد از تکبیر امام حاصل می شود.»

و شیخ ابن عثیمین میفرماید: «سنت آنست که هرگاه امام تکبیر گفت تو نیز بعد از وی تکبیر بگویی تا فضیلت تکبیرة الاحرام را بدست آوری، چنانکه از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده که

فرمود: «إذا کبر فکبروا» یعنی: هرگاه امام تکبیر گفت پس شما نیز تکبیر بگویید، حرف (فاء) در «

فکبروا» بر ترتیب و تعقیب دلالت دارد، یعنی از لحظه ای که امام تکبیر می گوید و صوت او با (راء) در (الله اکبر) قطع می شود، تو نیز تکبیر بگو و نباید در آن لحظه به چیز دیگری مشغول

باشی؛ نه دعا و نه سخن گفتن با پهلوی خود، زیرا اشتغال به این موارد در آن لحظه باعث خواهد شد تا فضیلت تکبیرة الاحرام را از دست بدهی.» «لقاء الباب المفتوح» (192/2).

و شیخ صالح فوزان می گوید: «فضیلت تکبیرة الاحرام جز با حضور ماموم در هنگام تکبیر امام حاصل نمی شود.» «الملخص الفقهي» (140/1)

حکم فراموشی تکبیرتحریمه در نماز:

گفتیم که تکبیرة الاحرام آغازین نماز از ارکان نماز است، و هرکس عمدا یا سهوا آنرا فراموش کند و یا نگوید، نمازش باطل است و بر وی لازمست که نمازش را از سر واز نواذعه نماید، و اما کسی که در نماز جماعت باشد و بعد از خواندن مقداری همراه امام بیاد آورد که تکبیرة الاحرام را نگفته، لازم نیست نمازش را قطع کند، بلکه از لحظه ای که بیادمی آورد باید تکبیرة الاحرام را بگوید گویا تازه وارد جماعت شده است و همانجا را ابتدای نمازش قرار دهد، و بعد از سلام امام نمازش را تکمیل کند.

قیام و تکبیر تحریمه

شیخ ابن باز رحمه الله در جواب سوالی، اگر کسی تکبیرة الاحرام را فراموش کند، آیا به نماز خویش ادامه دهد تا تمام می شود و بعدا آنرا تکرار کند، و یا نمازش را قطع کند و تکرار نماید؟ میفرماید: «اگر گفتن تکبیرة الاحرام را فراموش کند یا در گفتن آن شک کند، بر او لازمست بلافاصله که متوجه می شود تکبیر گوید، و بنا را بر آنچه بعد از تکبیر درمی یابد قرار دهد، مثلا اگر بعد از رکعت اول امام تکبیر گفت، اینگونه حساب کند که او رکعت اول را از دست داده و لذا بعد از سلام امام (برخیزد) و آن یک رکعت را قضاء نماید، و اگر در رکعت سوم تکبیرش را گفت، اینگونه حساب کند که دو رکعت را از دست داده، لذا بعد از سلام امام دو رکعت را قضاء کند، و این هنگامی است که دچار وسوسه نشده باشد، اما اگر فرد وسواسی باشد یا دچار وسوسه شده باشد، اینگونه حساب کند در همان اول نماز تکبیر گفته، و چیزی را (بعد از سلام امام) قضاء نکند، تا مایه خواری شیطان و مقابله با وسوسه او باشد». مجموع فتاوی الشیخ ابن باز (275/11).

یادداشت در مورد سکوت در حال قیام:

محدثین در مورد سکوت و مکث در قیام نماز مینویسند که از پیامبر صلی الله علیه و سلم دو بار مکث در قیام نماز وارد شده است، یکی مستقیما بعد از تکبیرة الاحرام، و دیگری درست قبل از رکوع. سکوت بعد از تکبیرة الاحرام بخاطر قرائت دعاء استفتاح میباشد که البته قرائت آن سنت است. ولی سکوت قبل از رکوع و بعد از قرائت قرآن، سکوتش کوتاهتر است و چیزی خوانده نمیشود، و شاید علت مکث قبل از رکوع آنست که پایان قرائت قرآن به الله اکبر رکوع وصل نشود، لذا سنت است که پس از پایان قرائت کمی مکث کرد، و سپس الله اکبر رکوع گفت و به رکوع رفت. **پایان**

قیام و تکبیر تحریمه

فهرست موضوعات مندرج :

- قیام و ایستاده شدن در نماز
- فاصله بین پاها در قیام
- مراوحة در نماز
- وضعیت دست ها در حال تکبیر تحریمه
- فلسفه تکبیره الاحرام و یا تکبیر تحریمه
- تکبیر تحریمه و طریقه نماز
- دعایی که بین اقامه و تکبیره الاحرام خوانده می شود
- دعای استفتاح
- فضیلت تکبیر تحریمه در روایت اسلامی
- ماموم چگونه میتواند فضیلت تکبیره الاحرام را کمایی نمود
- حکم فراموشی تکبیر تحریمه در نماز
- یادداشت در مورد سکوت در حال قیام

قیام و تکبیر تحریمه

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »
ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com
strategicstudies@yahoo.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**